روزنامه شهروند
فرهنگی . اجتماعی . سیاسی . اقتصادی
www.shahrvand-newspaper.ir
صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر
مدیر مسئول: عبدالرسول وصال
سردبیر: کسری نوری
نشانی: تهران ، فلکه دوم صادقیه
ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷
کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۷- ۴۴۹۵۶۱۰۱
چاپ: روزتاب
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز شرق
تلفن امور شهرستان‌ها: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

اوقات شرعی:
|اذان صبح ۰۵:۴۵:۳۷|طلوع آفتاب ۰۷:۱۴:۳۲|
|اذان ظهر: ۱۲:۱۱:۱۹|غروب آفتاب: ۱۷:۰۹:۰۶|
|اذان مغرب: ۱۷:۲۹:۰۴|

صفحه آخر

این شرح بی‌نهایت...

جنگ‌افزار نابخردی، سبکسری است.
امام علی(ع)

امیر ملک حُسن

دل هر که صید کردی نکشد سر از کمندت
نه دگر امید دارد که رها شود ز بندت
به خدا که پرده از روی چو آتشت برافکن
که به اتفاق بینی دل عالمی سپندت
نه چمن شکوفه‌ای رست چو روی دلستانت
نه صبا صنوبری یافت چو قامت بلندت
گرت آرزوی آنست که خون خلق ریزی
چه کند که شیر گردن ننهد چو گوسفندت
تو امیر مُلک حسنی به حقیقت ای دریغا
اگر التفات بودی به فقیر مستمندت
نه تو را بگفتم ای دل که سر وفا ندارد
به طمع ز دست رفتی و به پای درفکندت
تو نه مرد عشق بودی خود از این حساب سعدی
که نه قوت گریزست و نه طاقت گزندت

سعدی

تقویم تاریخ

درگذشت مارکوپولو

۶۹۱سال پیش، برابر با دهم ژانویه ۱۳۲۴ میلادی، مارکو پولو، تاجر و جهانگرد مشهور ایتالیایی در ونیز درگذشت. مارکو پولو شرح سفرهایش را در کتابی به نام «سفرهای مارکوپولو» ثبت کرده است. امروزه این کتاب با نام‌های «شگفتی‌های جهان» یا «توصیفی بر جهان» شناخته می‌شود. این کتاب در شناساندن آسیای مرکزی و چین به اروپاییان نقش کلیدی داشت. مارکو در جوانی و هنگام سفر تجارتی پدرش به آسیا با قوبلای‌خان امپراتور مقتدر چین دیدار داشت. سفرها و ماجراجویی‌های مارکوپولو، الهام‌بخش کسانی چون کریستف کلمب بود.

آغاز به کار مترو لندن

۱۵۲ سال پیش، برابر با دهم ژانویه ۱۸۶۳ میلادی، بهره‌برداری از مترو لندن، قدیمی‌ترین شبکه حمل‌ونقل زیرزمینی در جهان، آغاز شد. مترو لندن اکنون دارای ۲۷۵ ایستگاه است و به‌رغم نام رسمی آن که زیرزمینی (Underground) نامیده می‌شود، ۵۵درصد این شبکه، روی زمین واقع شده است. این شبکه، با ۴۰۸ کیلومتر خط آهن، طولانی‌ترین خط حمل‌ونقل درون شهری جهان نیز هست. شبکه مترو لندن، از شلوغ‌ترین شبکه‌های حمل‌ونقل زیرزمینی جهان است و در سال حدود یک میلیارد نفر از آن استفاده می‌کنند.

نخستین جلسه مجمع عمومی

۶۹سال پیش، برابر با دهم ژانویه سال ۱۹۴۶ میلای، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نخستین نشست خود پس از پایان جنگ جهانی دوم را با شرکت نمایندگان ۵۱ کشور عضو در لندن تشکیل داد. نخستین شکایتی که در این مجمع مطرح شد دادخواهی ایران از دولت شوروی بود. ایران مسکو را متهم ساخت که به‌رغم تعهد قبلی نه‌تنها نیروهایش را از ایران خارج نساخته بلکه مانع نقل و انتقال واحدهای ارتش ایران در قلمرو کشور شده است. براساس تصمیم مجمع قرار شد دو کشور نخست با مذاکرات دوجانبه در حل مشکل بکوشند و سپس سازمان ملل وارد قضیه شود.

شهروَنگ

گمشده‌ها

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

شهرام شهیدی
طنزنویس
shahraam_shahidi@yahoo.com

گمشده فعلی و مد روز و روی بورس خود بنده هستم. یعنی از روزی که ریخته‌اند توی دفتر نشریه طنزی در پاریس و روزنامه‌نگاران و کارتونیست‌های بخت برگشته را کشته‌اند من همه‌اش فوبیا دارم که الان داعش از عراق یا اروپا سرم آوار می‌شود. بنابراین فعلا تو هفت تا سوراخ قایم شده‌ام. به‌حدی که شاید به‌زودی درخواست تجسس بدهم پیدایم کنید. یعنی می‌دانید خیلی بد است که آدم خودش را گم کند. به قول سعدی: نه همین لباس زیباست نشان آدمیت. آدم نشانی‌های دیگری هم باید داشته باشد. اولش این‌که آدم باید مثل آدم رفتار کند. این اسلحه کوفتی را بگذارد زمین، بنشیند بگوید داداش من با این کارَت اصلا حال نکردم. او هم می‌گوید ای بابا شرمنده. به همین سادگی می‌شود گفت‌وگوی تمدن‌ها کرد و ساموئل هانتیگتون را قلقلک داد. اما خب فعلا آجر دست کسانی است که ساختمان نمی‌سازند و می‌زنند سر و کول هم. راستش این‌قدر این بحث جدی و مطرح شده که الان اقتصاد دنیا هم بر مدار آن می‌چرخد. بر مدار صادرات آجر؟ نه! بر مدار صادرات پرتاب‌کننده آجر و کلوخ. شما نگاه کنید از شرق یکسری صادر می‌شوند غرب و شروع می‌کنند به کشتن غربی‌ها، راه می‌افتند توی خیابان و روزنامه‌نگار و دونده و اینها را می‌کشند. از غرب هم یک سری صادر می‌شوند شرق و تا می‌توانند در لباس سرباز یونیفرم پوش ناتو یا داعشی و غیره (حالا لباسش خیلی مهم نیست.) شرقی‌ها را می‌کشند. خب چه مرضی است؟ شما که داری تو غرب زندگی‌ات را می‌کنی از جایت تکان نخور. بنشین سر جایت و مملکت خودت را اصلاح کن. شما هم در شرق خودت مشغول رتق و فتق امور باشی چیز بدی نیست. به جایی هم برنمی‌خورد. منتها این فضولی نمی‌گذارد که... از قدیم گفته‌اند فضول را بردند جهنم گفت هیزمش تر است. فضول را باید بگذاری توی همان بهشت خودش بماند. تکانش بدهی کار دستت می‌دهد و بلوا به پا می‌کند.

تماس تلفنی یک صادرکننده نمونه: به خدا من هم نمی‌خواهم تو کار صادرات اینها باشم اما شهروندان هر کشوری نخاله‌های بی‌مصرفش را صادر می‌کند بیرون. مثل تبعید می‌ماند. می‌گوید برو جلوی خانه مردم بازی کن ما یک نفسی بکشیم. عین بازی‌ای که با زباله‌های اتمی می‌کنند و رأس ساعت ۱۰ می‌برند صاف می‌گذارندش جلوی خانه مردم!

یک توییت فوری: ما این‌جا بین فرار مغزها و صادرات پرتاب‌کنندگان آجر فرق قایل هستیم‌ها. ما را نکوبید که جان در بدن‌مان نیست.

پیام تصویری جورج بوش: وقتی جنگ در دنیا نباشد همین آش و همین کاسه است. اگر آمریکا و عراق با هم و فرانسه و سومالی با هم نجنگند، کنترل از دستمان در می‌رود و یکهو می‌بینی جنگ به خیابان‌ها کشید. همان جنگ راه بیندازیم انسان‌دوستانه‌تر نیست؟

بیانیه یک مرتاض هندی: دنیا روزبه‌روز برای من قابل تحمل‌تر می‌شود. چون تعداد میخ‌هایی که در تنم فرو می‌رود در حال افزایش است. از همه خشونت‌طلبان تشکر می‌کنم و برایشان موفقیت آرزومندم.

پند اخلاقی برای پایان‌بندی خوش: بالاغیرتا بوق نزنید. دنیا اعصاب ندارد.

داستانه

آرامش حقیقی

در یک مسابقه نقاشی، موضوعی که برای هنرمندان در نظر گرفته شد، به تصویر کشیدن «آرامش واقعی» بود. نقاشان و هنرمندان بسیاری در این رقابت شرکت کرده و آثار خود را برای داوری به دبیرخانه مسابقه فرستادند. بیشتر آن تابلوها، تصاویری بودند از خورشید به هنگام غروب، رودهای آرام، کودکانی که در چمن می‌دویدند، رنگین کمان در آسمان و قطرات شبنم بر گلبرگ گل سرخ. تمام تابلوها بررسی شده و در نهایت دو اثر از میان همه آثار انتخاب شدند. اولی، تصویر دریاچه آرامی بود که کوه‌های عظیم و آسمان آبی را در خود منعکس می‌کرد. در جای جایش می‌شد ابرهای کوچک و سفید را دید و اگر مخاطبان دقیق‌تر نگاه می‌کردند، در گوشه چپ دریاچه، خانه کوچکی می‌دیدند که پنجره‌اش باز بود و از دودکش آن دود نرمی به آسمان بر می‌خاست، گویی که شام گرم و نرمی در حال آماده شدن است. اثر دوم هم نمایشگر کوه‌ها بود، اما کوه‌هایی ناهموار با قله‌هایی تیز و دندانه‌ای. آسمان بالای کوه‌ها به طور بیرحمانه‌ای تاریک و ابرها آبستن آذرخش، تگرگ و باران سیل آسا بودند. این تابلو با تابلوهای دیگری که برای مسابقه فرستاده شده بود هیچ هماهنگی نداشت. اما اگر مخاطب با کمی دقت بیشتر به آن نگاه می‌کرد، می‌توانست در بریدگی صخره‌ای شوم، جوجه گنجشک کوچکی را ببیند که در میان غرش وحشیانه طوفان آرام نشسته‌است.

نتیجه اخلاقی: آرامشی حقیقی است که در هنگامه سختی‌ها آن را در قلب و روح خود احساس کنی.

فوکوس ...

[تصویر امیر کبیر، به قلم محمد ابراهیم نقاشباشی، نقش بسته به سال ۱۲۲۲ خورشیدی] ۱۶۳ سال پیش، برابر با بیستم دی ۱۲۳۰ خورشیدی، میرزا محمد تقی‌خان فراهانی مشهور به امیرکبیر، صدر اعظم نامدار ناصرالدین‌شاه قاجار، در حمام فین کاشان به دستور شاه قاجار، در ۴۴ سالگی به قتل رسید. او پیش از این با دسیسه اطرافیان شاه از جایگاه خود برکنار و به کاشان تبعید شده بود. امیرکبیر همسر عزت‌الدوله، خواهر ناصرالدین‌شاه، پدر تاج‌الملوک همسر مظفرالدین‌شاه و پدربزرگ محمدعلی‌شاه، ششمین پادشاه از دودمان قاجار بود. از جمله وقایع مهم دوران وزارت او می‌توان به ساخت دارالفنون، انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه، حذف القاب و عناوین درباریان، اعدام سیدعلی محمد باب، تاسیس قراول‌خانه و... اشاره کرد. پیکر او پس از مرگ برای دفن به شهر کربلا فرستاده شد.

محمدرضا ثقفی | کارتونیست | email: sunysaghafi@yahoo.com

کارتون شهر

حرف روز

آنجا که عقاب پر بریزد!

محمدرضا نیک‌نژاد
آموزگار

همواره در مهمانی‌های فامیلی به گونه‌ای چندش‌آور تکرار می‌کرد، این مسئول دزد است، آن یکی از جایگاهی که قرار دارد بهره‌های فراوانی برده، فلان کس از رانت خواری به چه جاهایی که نرسیده، فلان مسئول همه فامیل‌های خود را سر کار برده، دیدی پیش از مسئولیتش ماشینش فلان بود و اکنون بَهمان است، خانه‌اش فلان جا بود و اکنون بَهمان جا است و.... نمی‌دانم چرا همیشه این جور آدم‌ها از پله‌های قدرت بالا می‌روند؟ یارو تا دیروز خودش از همه بیشتر می‌دزدید، امروز برایمان رئیس‌بازی در می‌آورد و... هر بار شنونده‌ها هم با او همراهی می‌کنند و هر یک از تجربه‌های خویش داد سخن می‌دهند و کم و بیش ناسزایی نصیب این و آن مسئول می‌کنند.

چند ماه پیش دیدمش. گفت برای دبیری فدراسیون یکی از رشته‌های ورزشی در شهرستان برگزیده شده است. کمی از جایگاه تازه‌اش گفت و دگرگونی‌های بزرگی که پس از او رخ داده است! میانه سخنانش گفت «از استان نامه‌ای آمده بود که دو تن از بانوان ورزشکار شهرستان را برای دوره مربیگری برگزیده و به استان معرفی کنم. من هم نام همسر و برادرزاده‌ام را فرستادم.» گفتم همسرت که هیچ پیشینه‌ای در ورزش ندارد. گفت خب می‌رود و یاد می‌گیرد!

مدتی درگیر سخنانش بودم که به یاد دو سکانس ارزشمند از فیلم «زنده باد زاپاتا» برداشتی آمیخته به افسانه از زندگی انقلابی نام‌آور مکزیکی «امیلیانو ساپاتا» افتادم. در بخشی از فیلم، گروهی از دهقانان تهیدست که زمین‌هایشان را از دست داده‌اند، به دیدار رئیس‌جمهوری می‌روند و از اوضاع نابسامان خویش و ستم زمین‌داران بزرگ شکایت می‌کنند. ساپاتای جوان وقتی بی‌تفاوتی رئیس‌جمهوری را می‌بینند اعتراض می‌کند. رئیس‌جمهوری هم که از دلیری او به خشم آمده است، روی کاغذ، دور نام ساپاتا را خط می‌کشد تا او را به خاطر بسپارد!

سال‌ها می‌گذرد و سرانجام پس از جنگ‌های بی‌شمار، دهقانان به رهبری ساپاتا پیروز می‌شوند و حق‌شان را می‌گیرند. پس از مدتی همرزمان ساپاتا و از آن میان برادر او، اسیر مقام و قدرت می‌شوند و از مردم فاصله می‌گیرند. شماری از دهقانان برای گله‌گزاری به دیدار ساپاتا می‌روند. این‌بار در سکانسی دیگر از فیلم، ساپاتای میانسال را می‌بینیم که بر جای همان رئیس‌جمهوری پیشین نشسته است، در پاسخ به اعتراض مردم، درست همانند رئیس‌جمهوری پیشین تلاش می‌کند که با وعده مردم را از سر خویش باز کند، اما جوانکی پردل و دلیر، همان فریادهای دیروز ساپاتا را بر سر او می‌کوبد. ساپاتا که از پر دلی او به خشم آمده، نامش را می‌پرسد و روی برگه کاغذ، دور آن خط می‌کشد تا سر فرصت حقش را کف دستش بگذارد! اما به یاد جوانی خویش و رفتار رئیس‌جمهوری پیشین می‌افتد و با دهقانان همراه می‌شود و دوباره انقلابی می‌شود و با دیکتاتورهای تازه و همرزمان پیشین در می‌افتد و البته جان خویش بر سر آن می‌گذارد – دروغ یا راست‌ش به گردن کارگردان.

بی‌گمان میل به قدرت و بهره‌برداری درست و نادرست افراد از آن، ویژگی ذاتی قدرت و انسان است. این ویژگی به همراه ساختارِ سیاسی، اجتماعی و فرهنگیِ پیچیده‌ایِ که آن را می‌پروراند، چنبره‌ای قدرتمند ساخته است که کمتر کسی توان گریز از آن را دارد. قدرت – به هر شکلش – گستره خطرخیزی است که تنها عقابانی همچون گاندی، ماندلا و شاید هم ساپاتای افسانه‌ای، توانسته‌اند از دام آن بگریزند. گرچه ساختارهای نوین و توانمند سیاسی راهکارهایی همچون جدایی قوا و آزادی رسانه‌ها و حکومت قانون را برای آن اندیشیده‌اند اما جای گمانی نیست که این گستره، پُر است از تناورانی، تن داده به بی‌آبرویی. من و فامیلم که... آن‌جا که عقاب پر بریزد/از پشه لاغری چه خیزد.

آب و هوا

اراک ۴ / -۳	اردبیل ۳ / -۱۴	ارومیه ۲ / -۸	اصفهان ۱۳ / ۳	اهواز ۲۱ / ۱۳	ایلام ۶ / ۲	بجنورد ۵ / -۱	بندرعباس ۲۵ / ۲۰
بوشهر ۲۲ / ۱۹	بیرجند ۵ / -۴	تبریز ۵ / -۳	تهران ۳ / ۰	خرم‌آباد ۱۴ / ۳	زاهدان ۲۱ / ۱۲	زنجان ۱ / -۳	سنندج ۶ / ۲
شهرکرد ۵ / -۱	قزوین ۱۲ / ۲	کرمانشاه ۱۰ / ۴	کرمان ۱۱ / ۱۳	گرگان ۷ / ۴	رشت ۶ / -۲	ساری ۷ / -۳	کرج ۲ / -۱
شیراز ۱۲ / ۶	سمنان ۷ / ۷	همدان ۸ / -۲	قم ۱۰ / ۱	مشهد ۵ / -۲	یاسوج ۸ / ۳	یزد ۱۳ / ۳	ابوموسی ۲۳ / ۲۴

...ادامه بارش‌ها

براساس آخرین نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی با ادامه فعالیت سامانه بارشی، نوار شمالی کشور با ابرناکی و بارش‌های برف و باران و وزش باد مواجه خواهد بود. امروز بارش‌ها با شدت کمتری در برخی نواحی غرب سواحل دریای خزر و شمال غرب کشور تداوم داشته و در غرب، جنوب غرب و جنوب، مرکز و سپس شرق کشور افزایش ابر، رگبار، رعد و برق و وزش باد پیش‌بینی می‌شود که در برخی مناطق مرتفع بارش برف نیز خواهیم داشت.

روز یکشنبه در برخی مناطق جنوب و شرق کشور ابرناکی بارش‌های پراکنده و وزش باد پیش‌بینی می‌شود. این سامانه در بعدازظهر این روز از مرزهای شرقی کشور خارج خواهد شد. تا دو روز آینده برودت هوا به طور متناوب ادامه می‌یابد و در برخی از مناطق جنوب و جنوب‌شرق کشور وزش باد شدید رخ خواهد داد. آسمان تهران امروز کمی ابری در بعضی ساعات با افزایش ابر و بارش پراکنده و وزش باد پیش‌بینی می‌شود. حداقل و حداکثر دما در این روز صفر و ۳ درجه سانتیگراد بالای صفر خواهد بود. در روز یکشنبه نیز آسمان پایتخت کمی ابری و در بعضی ساعات با افزایش ابر و وزش باد همراه خواهد بود و حداقل و حداکثر دما در این روز نیز به منفی ۲ و ۴ درجه سانتیگراد خواهد رسید.

در شبانه روز گذشته بندرعباس مرکز استان هرمزگان با بیشینه دمای ۲۵ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهر اردبیل مرکز استان اردبیل با کمینه دمای منفی ۱۴ درجه سانتیگراد سردترین شهرهای کشور طی ۲۴ ساعت گذشته بوده‌اند.